

نقش زنان قاجاری در فرمانهای مملکتی!؟

۱۶ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۵:۵۳

همسران شاهان قاجار علاوه بر اینکه در تجملات درباری غوطه ور بودند، گاه به واسطه بی تدبیری شاهان این جسارت را پیدا می نمودند تا در امور سیاسی نیز دخالت نمایند.

در دوره سلطنت آغامحمدخان قاجار، با توجه به مشغله های گوناگون و شخصیت جدی وی و همچنین ایجاد محدودیت های سخت در اندرون، زنان به هیچ وجه در مسائل سیاسی کشور مداخله نمی نمودند، چنانچه «دکتر بشری دلریش» عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه اراک در این باره بیان میدارد: حتی هنگامی که شاه از کشمکش های سیاسی فراغت حاصل می کرد، باز ترجیح می داد که برای استراحت، بدون زنان و در معیت خدمتگزاران خویش به کاخ های ییلاقی اطراف پایتخت برود. اما در زمان سلطنت فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه، یعنی بخش اعظم حکومت سلسله قاجار بر ایران، این دو شاه کاملاً اسیر امیال نفسانی و لذت های حرمسرا بودند و در واقع تا حد زیادی، زندگی سیاسی آنان تابعی از زندگی خصوصی آنان بود، چنانچه فتحعلی شاه حتی در لشکرکشی های خود، از همراه بردن زنان حرمسرا غفلت نمی ورزید. ناصرالدین شاه، در برخی مواقع تا هفته ها از حرمخانه بیرون نمی آمد و از این رو مداخله زنان در مسائل جاری کشور، امری گریزناپذیر بود و بی شک میزان تماس و مرادده ای که شاهان وقت با زنان حرمسرا داشتند، به مراتب بیشتر از تماسی بوده که با رجال کشور داشتند. ناگفته پیداست که بیشتر مداخلات از سوی زنان سوگلی انجام می گرفت، زیرا زنان معمولی به علت محدودیت های فراوان در تماس با بیرون و رجال سیاسی به خاطر کوتاهی مدت اقامتشان در دربار، توان و مجال چنین کارهایی را نمی یافتند.

ناصرالدین شاه در هنگام تصمیم گیری در مورد مسائل کشوری علاوه بر منجم مخصوص دربار، همواره با یکی از زنان سوگلی خود نیز به مشورت می پرداخت، زیرا اعتقاد داشت که او «از نوعی ودیعه پیشگویی» برخوردار می باشد. پاره ای از زنان حرمسرای ناصرالدین شاه حتی زودتر از صدراعظم وقت، از نیات شاه در باب مسائل جاری مملکت آگاه می شدند، زیرا شاه پیش از اقدام به هر کاری، یادداشت هایی از کارهای موردنظر خویش می نوشت و آن را نزد زنان امین حرمسرای خود نگاه می داشت و همین شاه، هنگامی که در اندرون به صدور فرمانی تصمیم می گرفت، این کار را به زنان باسواد حرم واگذار می کرد. به تدریج قدرت زنان سوگلی در دوران ناصری و مظفری به حدی گسترش یافت که محل اقامت آنان در کنار اماکن مقدس و دیگر مراکز بست نشینی، مأمّن گناهکاران و بی گناهان برای فرار از مجازات و نیز بست نشستن بود، چنانچه در دوران ناصری، منزل امینه اقدس محل بست بود و حتی شاهزادگان و رجال سیاسی وقت، به هنگام نیاز بدان ملتجا می شدند.

یکی از مهمترین موارد اعمال نفوذ زنان، مداخله در اوضاع سیاسی کشور بود. مهدعلیا همسر محمدشاه و مادر ناصرالدین شاه، در رأس زنان مداخله گر قرار داشت و با مرگ محمدشاه، تا رسیدن ولیعهد از تبریز به تهران، او با قدرت کامل به تمشیت و نظارت امور پرداخت و از این رو هر روز در تالار بزرگ قلعه محمدیه واقع در شمال غربی باغ فردوس تجریش، رجال دولتی را برای استماع گزارش هایشان به حضور می پذیرفت و با آنان درباره اوضاع مملکتی، در غیاب شاه جدید به گفتگو می پرداخت. با استقرار ناصرالدین شاه بر اریکه قدرت، او همچنان به عنوان یک رکن قدرت باقی ماند و همزمان با صدارت اعظمی امیرکبیر و تلاش وی برای مهار قدرت شاه به نفع کشور و مخالفت با زرق و برق بیهوده دربار و میهمانی های پرخرج و گزاف مهدعلیا، او با حمایت انگلیس، سرسختانه در مقابل امیر می ایستد و با تلقین ها و اعمال نفوذ مداوم در شاه جوان و سوق دادن هر چه بیشتر او در لذات حرمسرا و نیز اتهام به امیر مبنی بر توطئه برای تصاحب تاج و تخت، زمینه قتل وی را فراهم می آورد.

بعد از قتل امیرکبیر، مهدعلیا با حمایت از میرزا آقاخان نوری، او را به منصب صدارت اعظمی می رساند، آن هم در شرایطی که میرزا آقاخان نوری در زمان حکمرانی محمدشاه، به جرم جاسوسی برای انگلستان، تنبیه و به کاشان تبعید شده بود. نفوذ مهدعلیا در مسائل گوناگون مملکتی به حدی چشمگیر بود که اروپاییان مکرر به آن اشاره کرده اند. به گفته پولاک: ملکه مادر دارای نفوذ بسیاری است که بخصوص آن را به هنگام انصاب حکام و وزرا و ازدواج های شاه اعمال می کند. چنانچه لیدی شل و کارلاسرنا نیز بر اعتقاد پولاک در این باره تأکید می ورزند.

زنان سوگلی ناصرالدین شاه نیز در مداخله امور سیاسی، چندان از مهدعلیا عقب نبودند و در عزل و نصب صدراعظم های وقت کاملاً اعمال نفوذ می کردند، چنانچه هنگامی که فرزندان فروغ السلطنه از همسران سوگلی شاه، به علت بیماری می میرند، او مصرانه میرزا آقاخان نوری را متهم به مسموم ساختن آن ها می نماید و سرانجام سبب می شود تا نوری و خویشاوندانش که بر مناصب مهمی تکیه زده بودند، همگی معزول، شکنجه و تبعید گردند. همچنین با فشارهای زنان حرمسرا در قالب گریه و به دست گرفتن قرآن از سوی آنان، امین الدوله از منصب صدارت اعظمی در عهد ناصری عزل می گردد. انیس الدوله، از زنان مشهور و مورد علاقه شاه، از جمله عوامل عزل محمدحسن خان سپهسالار از صدارت بود، زیرا به صلاحدید سپهسالار، شاه از همراه بردن او به سفر اروپا خودداری کرده بود، و یا با اعمال نظرهای خواهر فرمانفرما، که همسر مظفرالدین شاه بود، فرمانفرما به حدی قدرت می یابد که به خود حق دخالت در تمام امور کشور را می دهد.

در عهد محمدعلی شاه، همسر وی از جمله پیشتازان مخالف با نهضت مشروطه ایران بود. انگیزه وی در این کار، کاهش شدید قدرت وی، به عنوان ملکه کشور، تحت اصول و قوانین مشروطه و مجلس بود. او مکرر در نزد شاه و دوستانش شکایت می کرد که با وجود مشروطه و مجلس، من به مراتب از انیس الدوله و امینه اقدس بدبخت تر هستم، زیرا آنان قادر بودند که خویشاوندان خویش را به وزارت و حکومت برسانند، در حالی که برای من چنین قدرتی میسر نیست. بعد از به توپ بستن مجلس و شروع استبداد صغیر، ملکه به خاطر مساعدت هایی که در این راه به خرج داده بود، لقب شریک السلطنه را دریافت می کند و قدرت وی آنچنان فزونی می گیرد که حتی به لغو و ابطال فرمان های صادره از سوی شاه نیز اقدام می کند و پس از آنکه محمدعلی شاه، تحت فشار مشروطه خواهان داخل و خارج، به ظاهر تصمیم به بازگشایی مجدد مجلس گرفت، ملکه با جسارت تمام، افراد تحت امر خویش را برای محو اعلان های صادره از او می فرستد و عملاً رو در روی محمدعلی شاه قرار می گیرد.

استعمارگران نیز، از تأثیر زنان بر تصمیم گیری های شاه مطلع بودند و مدام به طرق مختلف سعی در ایجاد ارتباط با حرمسرای شاهی داشتند. در بدو ورود سرگوراولی سفیر انگلیس در نوامبر ۱۸۱۱ م به ایران، همسرش نیز با تقدیم قطعه الماسی به دیدار آغاباجی، از زنان سوگلی فتحعلی شاه می شتابد تا بدین گونه، زمینه های نفوذ در این زن مقتدر را فراهم آورد و نیز تاج الدوله، یکی دیگر از زنان بانفوذ فتحعلی شاه، آنچنان به ایجاد روابط صمیمانه با انگلیسی ها علاقمند بود که حتی به افتخار آن ها میهمانی برپا می ساخت و همچنین مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه از طریق میرزا آقاخان نوری، عامل سرسپرده انگلستان، با سفارت این کشور در تهران ارتباط نزدیکی برقرار می کند و جهت تثبیت قدرت انگلیس در ایران تلاش می نماید، همچنان که در قضیه عزل امیرکبیر، ائتلافی متشکل از او، سفارت انگلیس و دیگر شاهزادگان درباری صورت می گیرد.

پس از مرگ مهدعلیا (۱۲۷۸ هـ.ق)، انیس الدوله همسر سوگلی ناصرالدین شاه، از سوی وی مأمور پذیرفتن خانم های فرنگی در دربار می شود و او در این ضیافت ها، مبالغ هنگفتی هزینه صرف می کرد.

در تاریخ ۱۲ رجب سال ۱۳۰۳ هـ.ق، نصرت پاشا سردار عثمانی، به حضور ناصرالدین شاه می رسد. وی حامل نشان امتیاز برای شاه و نشان شفق برای امینه اقدس بود. در تاریخ ۵ جمادی الاول ۱۳۱۱ هـ.ق، اعتمادالسلطنه از سوی انیس الدوله مأمور می شود تا به سفیر روس، پیام تسلیتی در باب مرگ امپراطور روس الکساندر سوم ابلاغ کند. البته واضح است که این ارتباط ها مملو از نیت و اغراض سیاسی بود، چنانچه کمپانی انگلیسی رویتر برای فراهم آوردن زمینه های مساعد جهت کسب امتیاز، خود را ملزم دید تا علاوه بر وزرا و درباریان، به زنان حرمسرای سلطنتی نیز مبالغی رشوه بپردازد. اما سرانجام با فتح تهران از سوی مشروطه خواهان و قدرت یافتن نسبی مجلس در عهد احمدشاه، زنان حرمسرا از مداخله در سیاست بازماندند و اعمال نظرهای بی حد و مرز آنان، هرگز مانند ایام گذشته مجال خودنمایی نیافت.

آدرس مطلب :

[مملکتی-فرمانهای-قاجاریه-زنان-نقشه/۲۷۴۸۷](https://www.cafetari.kh.com/news/۲۷۴۸۷/مملکتی-فرمانهای-قاجاریه-زنان-نقشه)